



گروه آموزشی مشاوره‌ای نوتروفیل



درس

جامعه شناسی دوازدهم انسانی



نوتروبیست



$$E_k = \frac{1}{2}mv^2$$





نوטר وفیل خونه رتبه برترها

قبولی های کنکور ۱۴۰۴



تک رتبه نوטר وفیل

رتبه ۸
ایمان نیک نام جهرمی

دو رتبه های نوטר وفیل

رتبه ۳۲ امیر محمد رضائی	رتبه ۲۰ سینا راضی	رتبه ۱۶ آریا قهرمانی	رتبه ۱۴ امیر محمد کیانی
رتبه ۸۰ محمد مهدی شریفی	رتبه ۷۵ محمد صالح عارفی	رتبه ۶۱ بهار هلالی	رتبه ۵۹ ایمان انفرادی

سه رتبه و چهار رتبه های نوטר وفیل

رتبه ۲۲۲ امیر محمد شکوهی	رتبه ۱۶۹ هانیه خواجه	رتبه ۱۶۰ اشکان کوثری	رتبه ۱۴۷ محدثه حیدری	رتبه ۲۵۹ ابوالفضل ناصریان
رتبه ۴۳۲ سید محمد صادق حسینی	رتبه ۳۴۱ حمید رضا بشیری	رتبه ۳۰۸ سید علی اکرمی	رتبه ۲۷۱ فاطمه سادات موسوی	رتبه ۴۷۳ زهره بابائی
رتبه ۵۳۹ نجمه کبیرا	رتبه ۵۳۷ ریحانه حیدری	رتبه ۵۲۳ فاطمه شاهسونند	رتبه ۵۱۴ محمد پارسا عبدالله آبادی	رتبه ۵۴۶ حسین تقضلی نژاد
رتبه ۶۶۱ فاطمه اصغری	رتبه ۶۰۶ سجاد محمودی زاده	رتبه ۵۷۰ زهره ولی نژاد	رتبه ۵۵۷ محمد صالح زارعی	رتبه ۶۶۷ سیاوش مصطفایی
رتبه ۷۸۱ احسان قنبری	رتبه ۷۱۴ محمد یزدیان	رتبه ۶۹۱ بهار ضرامی	رتبه ۶۷۲ محمد ماهان عنبرستانی	رتبه ۷۸۶ نیما غفاری
رتبه ۹۰۹ کیمیا فدائی	رتبه ۸۹۳ فاطمه مشاوری نجف آبادی	رتبه ۸۰۴ آرمین رضایی	رتبه ۸۰۳ ماتده رنجبر	رتبه ۹۴۷ صفورا بقائی
رتبه ۱۱۲۷ زهره بابائی	رتبه ۱۱۲۲ علی طاهر زاده	رتبه ۱۰۵۸ الینا جلالی فر	رتبه ۱۰۵۲ پویان فریور افشار	رتبه ۱۲۳۴ مطهره توحیدی
رتبه ۱۳۵۰ علی زینلی	رتبه ۱۲۸۴ فاطمه معین زاده	رتبه ۱۲۸۴ بهار امیری	رتبه ۱۲۳۶ مبینا ایزدی	رتبه ۱۳۷۲ پارسا رضایی
رتبه ۱۵۰۳ فاطمه رحیم زاده	رتبه ۱۴۹۳ محمد مهدی خرم زاده	رتبه ۱۴۸۳ سینا خاوری خراسانی	رتبه ۱۴۲۴ سید امیر حسین حسینی	رتبه ۱۵۳۴ فاطمه عبیری
رتبه ۱۶۹۶ ندا ملک شاهی	رتبه ۱۶۷۸ سجاد ینکی	رتبه ۱۶۳۹ ابوالفضل نیرومند	رتبه ۱۶۲۸ امیر محمد فکور حقیقی	رتبه ۱۷۳۱ محمد رضا محسنی
رتبه ۲۵۵۹ سارا حمزه	رتبه ۲۰۱۵ علی شیرزاد	رتبه ۱۹۶۶ مهسا رضایی مقدم	رتبه ۱۷۵۴ هلپا حاجیلوئی	رتبه ۲۶۲۵ زهره جمعی
رتبه ۲۷۹۴ مریم بادلی	رتبه ۲۷۸۱ سعید شبانی	رتبه ۲۷۵۱ فهمیه سید آبادی	رتبه ۲۷۱۱ محمد غلامی	رتبه ۲۸۱۰ هدیه رحیمی
رتبه ۳۳۴۳ سینا ارزمانی	رتبه ۳۲۴۴ هلپا سجادی	رتبه ۳۱۳۳ صبا شایع ثانی	رتبه ۲۸۸۱ پارسا جمال امیدی	

فصل اول

حس : صدا ها رامیشنویم، اطراف را میبینیم و اشیاء را ازهم تشخیص میدهم .

زبان : با کلمات آشنا می‌شویم، سخن می‌گوییم و از طریق پرسش و پاسخ از دیگران راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می‌گشاید.

تفکر و تعقل: معنای: پدیده های اطراف خود را درک می‌کنیم و به فهم عمیق تر و گسترده تر ی از عالم و آدم می‌رسیم.

شیوه های شناخت جهان اجتماعی

ذخیره دانشی و ذخیره ی آگاهی

آنچه افراد از تجربه های فردی اجتماعی خود مطالعات مدرسه ای و دانشگاهی می آموزند ذخیره ی آگاهی یا دانشی آنها را شکل میدهد.

✓ هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره ذخیره دانشی دارد

ویژگی های کنش

- ارادی
- معنادار
- هدفدار
- آگاهانه

هیچ کنشی بدون آگاهی انجام نمیشود

ما اغلب از آگاهی و دانشی که درباره کنش های خود داریم و اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد غافلیم

اگر این آگاهی و دانش ها نباشند زندگی اجتماعی ما مختل میشود و جهان اجتماعی فرو می پاشد

دانش عمومی

جامعه و فرهنگی که در آن زندگی میکنیم دانش لازم برای زندگی یا دانش عمومی را در اختیار ما قرار می دهد لازم نیست خودمان دانش لازم برای تک تک کنش هایمان تولید کنیم

دانش عمومی گسترده ترین بخش ذخیره دانشی است. ما درباره دانش عمومی کمتر می اندیشیم و بیشتر از آن استفاده میکنیم زمانی درباره دانش عمومی می اندیشیم که در کاربرد و استفاده از آن دچار مشکل میشویم



دانش علمی: با تامل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید و دانشی عمیق تر و دقیق تر است

قدرت پیدا می‌کند از حقایق موجود در شناخت عموم دفاع کند
به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود میرسد کسی که دارای
دانش علمی است آسیب‌ها را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده‌اند،
شناسایی میکند. بر ذخیره علمی دانش جهان اجتماعی می‌افزاید.

کسی که دانش علمی دارد

تأثیر تلاشهای علمی بر دانش علمی و عمومی در جامعه] **(پیامد تلاشهای علمی)** دانش عمومی را غنی تر می‌کند

نحوه شکل‌گیری دانش علمی ←

هر وقت مسئله خاص در جامعه مطرح میشود ← زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌شود

کاهش یا افزایش جمعیت ← زمینه فعالیت و رشد علمی جمعیت شناسی

رابطه بین دانش عمومی و علمی

گاهی این دو یکدیگر را کامل میکنند
گاهی میان دانش علمی و عمومی
تعارض به وجود می‌آید.
با طرح ایده‌های جدید
رها کردن بخشی از ذخیره دانشی

راه حل

جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند

فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانند و
علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کنند

جهان متجدد براساس هویت دنیوی

ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما در ارتباط با چنین مشکلاتی مطرح شده است ما دانشی می‌خواهیم که:

✓ همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما باشد

✓ دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد

یعنی از سویی در حل مسائل و مشکلات بومی ما مفید و کارآمد باشد و از سوی دیگر به زبان و منطق جهان شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

درس دوم

مطالعات علمی اجتماعات انسانی ← شکلگیری علوم اجتماعی - مطالعه اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آنها برکنشها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آنها از کنشها و شیوه زندگی ما به روش علمی
موضوع علوم انسانی ← کنش انسان و پیامدهای آن

شناخت آن بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست

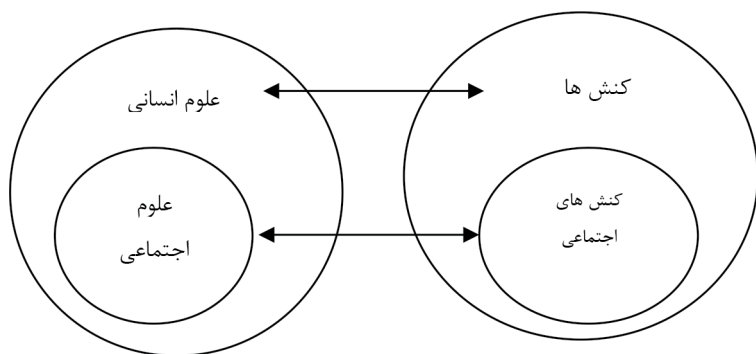
هدف دار
معنادا
ارادی
آگاهانه

کنش انسانی

✓ علوم انسانی از فعالیت غیر ارادی انسان ها بحث نمی کند زیرا فعالیت های غیر ارادی، کنش نیستند



موضوع علوم انسانی ← کنش‌های انسانی و آثار و پیامدهای آن



کنش انسانی فردی اجتماعی ← موضوع مورد مطالعه در علوم اجتماعی

✓ موضوع علوم انسانی عام‌تر از علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی خود بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شود ولی برخی از علوم انسانی در زمره علوم اجتماع نیستند

موضوع علوم طبیعی ← جهان طبیعی و پدیده‌های آن

✓ پدیده‌های طبیعی برخلاف کنش‌ها و پیامدهای آن به تصمیم و اقدام انسانها وابسته نیستند بلکه مستقل از اراده انسانها و اهداف و معانی مورد نظر آنها وجود دارند

فوائد علوم طبیعی

به انسان قدرت پیش‌بینی حوادث طبیعی و پیشگیری از آن میدهد

ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و وسیله غلبه او بر محدودیتهای طبیعی

موضوع علوم اجتماعی ← شناخت پدیده‌های اجتماعی

قدرت پیشبینی آثار و پیامدهای اجتماعی ← قدرت پیشبینی در علوم اجتماعی
 علوم اجتماعی به دلیل ارادی بودن کنش پیچیده تر از علوم طبیعی است
 با شناخت قواعد، هم از فرصتها برخوردار میشویم و هم از آسیبهای اجتماعات مختلف در امان
 میمانیم
 قواعد جهان اجتماعی تأثیر اجتماعات بر زندگی را توضیح میدهند
 زمینه فهم متقابل انسانها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم میسازند ← کمک به افزایش همدلی و
 همراهی انسانها ظرفیت داوری درباره ارزشها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آنها را فراهم میسازد.
 ← فرصت موضعگیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم میکند درباره فرصتها و
 محدودیتهای فناوری به انسان آگاهی میدهند

فواید قواعد جهان
اجتماعی

فواید علوم اجتماعی

ظرفیت داوری درباره علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را فراهم می کند
 شیوه استفاده صحیح از علوم طبیعی را به ما نشان می دهد

اهمیت بیشتر علوم اجتماعی
نسبت به علوم طبیعی

علوم طبیعی ← ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رها سازی انسان از محدودیت ← علوم ابزاری

علوم انسانی به فهم معانی کنش های انسان می پردازد ← علوم تفهیمی
 به انتقاد از کنشهای ناپسند آدمیان می پردازد. ← علوم انتقادی

فواید علوم انسانی و اجتماعی	فواید علوم طبیعی
شناخت و فهم معانی کنشهای آدمیان و پیامدهای آن	شناخت طبیعت و قوانین آن
شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنشهای او تاثیر دارند یا پیش بینی کنشها و پیامدهای آن ها برای پیشگیری	پیش بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت
شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنشهای خوب و بد انسان ها انتقاد از کنشهای ناپسند و ظالمانه انسان ها	رها سازی انسان از محدودیت های طبیعت
رها کردن و آزاد سازی انسانها از ظلمها و اسارت هایی که در اثر کنشهای انسان ها پدید می آید	
نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش های ابزاری	



موضوع علوم اجتماعی ← کنش های اجتماعی و پیامدهای آن ← پدیده های اجتماعی

✓ زندگی انسان ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی فرهنگی و دارد . ← شاخه ها و دانشهای اجتماعی متفاوتی پدید آمده
جامعه شناسی جمعیت شناسی علوم سیاسی مردم شناسی روانشناسی اجتماعی باستان شناسی جغرافیای انسانی اقتصاد
زبان شناسی مدیریت، تاریخ و.....

جامعه شناسی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی علم شناخت کنش اجتماعی و یا علم شناخت ساختار اجتماعی

انواع جامعه شناسی

جامعه شناسی خرد کنش اجتماعی خرد و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد را مطالعه میکند
جامعه شناسی کلان ساختار اجتماعی و پدیده های اجتماعی کلان را مطالعه میکند

✓ جامعه شناسی خرد و کلان نیازمند به هم و مکمل یکدیگرند

رویکردهای مختلف جامعه شناسی

جامعه شناسی انتقادی
طبیعی جامعه شناسی تفسیری
جامعه شناسی تبیینی

موضوع زیست شناسی: (موجودات زنده) موجودات زنده را دارای ویژگیهایی مانند حرکت، تغذیه و رشد می داند

موضوع اقتصاد : کنشهای اقتصادی همچون تولید توزیع و مصرف کالا و خدمات می پردازد

اصل وجود موضوع فلسفه

شناسایی قوانین کلی موجودات ← قوانین فقط مخصوص موجودات طبیعی یا انسانی و اجتماعی نیست بلکه این قوانین شامل همه موجودات میشود (مثل قانون علیت)

✓ فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی و اجتماعی؛ بلکه خود دانشی مستقل است

درس سوم

ما نمیتوانیم نظم را مشاهده کنیم زیرا با نظم عادت کردیم

آشنا زدایی از امور آشنا و روزمره



از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه میکنند و در کنار بی نظمی، نظم را می شناسند

نظم اجتماعی: در نتیجه قواعدی برقرار میشود که ما انسانها برای با هم زندگی کردن پذیرفته ایم

پیامد نظم اجتماعی : پیش بینی رفتار دیگران و همکاری با آنها را امکان پذیر می نماید.

باعث میشود شما بدانید چه توقع و انتظاراتی باید از دیگران داشته باشید و اتفاقات

غیرمنتظره شما را از همکاری با دیگران باز ندارد

گرچه ممکن است گاهی دانسته‌هایمان غلط از آب در بیاید دیگران مطابق انتظارات

رفتار نکنند و حوادثی خلاف قواعد رخ دهد

قواعد اجتماعی کنشهای ما را برای یکدیگر قابل پیش بینی میکند خود قواعد چگونه

با هم مرتبط و سازگار میشوند؟ از طریق ساختار اجتماعی

امکان مشارکت ما در زندگی اجتماعی را فراهم می کند

ساختار اجتماعی: ساختار اجتماعی چگونگی ارتباط میان پدیده‌های گوناگون اجتماعی است

ساختار اجتماعی را در گروه‌های رسمی مانند سازمانها بهتر میتوان دید در هر سازمانی حقوق و تکالیف مربوط به هر نقش

چگونگی روابط میان اعضا و..... مشخص است.

نظام اجتماعی ← ساختار اجتماعی پویا است.

اگر ساختار را به خودرویی تشبیه کنیم که در یک جا پارک شده است نظام اجتماعی همان خودرو خواهد بود که موتور

آن روشن شده و در حرکت است

منظور از پویایی نظام اجتماعی :

بخش های مختلف آن بر یکدیگر اثر میگذارند و از یک دیگر اثر می پذیرند

نظام اجتماعی میتواند تغییراتی را بر خود ایجاد کند ← مثل رشد جمعیت

و هم میتواند تغییراتی در محیط خود ایجاد کند ← برداشت روز افزون از منابع

تجدید ناپذیر

منظور از تبیین — بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن است

در تبیین پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می‌رسیدند در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و میان پدیده‌های که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شدند روابط جدیدی طرح می‌شود.

حرارت ← انبساط فلزات

رکود اقتصادی ← بیکاری در جوامع

همبستگی بین افراد ← انحرافات اجتماعی کمتر

در اوایل قرن نوزدهم میلادی با محدود دانستن دانش علمی به دانش تجربی صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شد یعنی تنها بیان آن دسته از روابط علی و معلولی میان پدیده‌ها دانش علمی و معتبر محسوب می‌شد که با حس و تجربه قابل مشاهده باشد زیرا چنین می‌پنداشتند که دانش علمی تنها از طریق حس به دست می‌آید جامعه‌شناسی سعی کرد در آغاز شکل‌گیری خود به علوم طبیعی به ویژه علم فیزیک نزدیک شود. به همین دلیل آگوست کنت، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای این رشته برگزید.

این رویکرد که جامعه‌شناسی را در زمره دانش‌های تجربی و ابزاری قرار می‌دهد با نام جامعه‌شناسی تبیینی "شناخته می‌شود.

در رویکرد تبیینی، پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود روش مطالعه آن‌ها نیز یکسان است

همانطور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت امکان پیش‌بینی پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسان‌ها فراهم می‌کند

هدف جامعه‌شناسی نیز همانند علوم طبیعی است جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی پیش‌گیری و کنترل طبیعت را

برای انسان‌ها فراهم می‌کنند

کنترل جامعه کنترل طبیعت

← موفقیت دانشمندان علوم طبیعی

عده‌ایی از جامعه‌شناسان علاقه‌مند شدند تا شباهت‌های جامعه و پدیده‌هایی مثل ماشین و بدن انسان را برجسته کنند و نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای ماشین بدانند.

از نظر آنها جوامع از انسان‌ها، نهادها سازمان‌ها خیابان‌ها خودروها و بسیاری از عناصر دیگر تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند همان‌طور که بدن و ماشین از اجزایی تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند

موضوع	روش	هدف
پدیده های اجتماعی همانند پدیده های طبیعی	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	پیش بینی و کنترل پدیده های اجتماع

ماشین و بدن بر اساس قوانین طبیعی عمل میکنند طبیعت بیرون و مستقل از ماست ما آن را به وجود نیاوردیم و قبل از ما وجود داشته شناخت قوانین طبیعت به هیچ وجه این قوانین را تغییر نمیدهد ما فقط میتوانیم این قوانین را بشناسیم و تا انجایی که به ما اجازه میدهند تغییر ایجاد دهیم اما اگر جامعه را همانند طبیعت بدانیم قادر نخواهیم بود تغییر بنیادین در جامعه ایجاد کنیم نظم اجتماعی بیرون و مستقل از ما خواهد بود و فقط میتوانیم خود را با اون سازگار کنیم

مقایسه دقیق تر طبیعت و جامعه

تلاش ما برای شناخت قوانین طبیعت به هیچ وجه این قوانین را تغییر نمی دهد ما فقط میتوانیم این قوانین را بشناسیم

با استفاده از علوم طبیعی و تا جایی که قوانین طبیعی به ما اجازه میدهند در طبیعت و پدیده‌هایی مانند ماشین و بدن که براساس قوانین طبیعت عمل می کنند، تغییراتی را ایجاد نماییم و آن پدیده‌ها را کنترل کنیم

دیدگاه جامعه شناسی تبیینی در مورد انسان

انسان صرفا یک موجود طبیعی پیچیده تر از سایر موجودات طبیعی است در حالی که انسانها با موجودات ،طبیعی تفاوت هایی بنیادین دارند



جامعه را صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده میداند و تفاوت میان جوامع

مختلف را تنها در تفاوت کمی می‌بیند

دیدگاه جامعه‌شناسی تبیینی در مورد جامعه از نظر آنها برخی از جوامع از برخی دیگر پیچیده‌ترند و در رفع

نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته‌ترند

گمان می‌کنند که همه جوامع مسیر یکسانی را به سوی پیشرفت طی

می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل میشوند در حالی که

واقعیت این است که انسان‌ها میتوانند جوامع و تاریخهای گوناگونی را

پدید آورند

درس چهارم

از نظم مشخصی پیروی میکند

نقشه پیش برنامه ریزی شده دارند

مبارزه نظامی

اشکال جنگ

نوعی مبارزه مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان محلی قادرند در موقعیت

بومی خود حتی با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ مقاومت کنند

نقشه از پیش تعیین شده ندارند بلکه متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود عمل میکنند

افراد از نظم موجود پیروی نمیکنند و به سبب انگیزه‌های اخلاقی و آرمانهای معنوی

افراد توانایی فراتر از نظم موجود بدست می‌آورند

جنگ نامنظم

✓ اصطلاح جنگ‌های نامنظم را اولین بار شهید چمران به کار برد و روشهای ویژه‌ای برای آن ابداع کرد

✓ مقاومت مردم آمرلی در برابر داعش نمونه‌ای بارز از جنگ‌های نامنظم است

✓ هر جامعه‌نظمی دارد و این نظم تا حد زیادی بر افراد حاکم است و به اقدامات آن‌ها شکل می‌دهد

کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است ← تمام پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان با کنش اجتماعی بوجود می‌آیند
هر چقدر هم جا افتاده باشند با کنش اجتماعی افراد بوجود آمده‌اند.

نظام اداری با نارساهایی که دارد فرصتها و محدودیت‌هایی برای کنشگران ایجاد میکند اما باید توجه داشت این نظام اداری محصول کنش مدیران کارکنان قانون گذاران و مراجعان است
مسائل و مشکلات اجتماعی بیرون از دایره نفوذ ما نیستند ← با کنش خود در حفظ وضع موجود با تغییر آن اثر میگذاریم
اگرچه میزان تاثیرگذاری همه اعضای جامعه یکسان نیست

زندگی اجتماعی انسان ها و نظم همزاد یکدیگرند اما انسانها صرفا مجریان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به آرمانها و ارزشهای خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بکاهند.
به هر میزان که این آرمانها و ارزشها والاتر باشد انگیزه افراد برای تحقق بخشیدن به آنها قویتر است و تغییر مهم تری ایجاد میشود
کنش اجتماعی چیست کنش اجتماعی فعالیتی که باتوجه به دیگری انجام میشود تمام انتخابهای ماکنش اجتماعی محسوب میشوند

کنش اجتماعی چیست؟

کنش اجتماعی فعالیتی که با توجه به دیگری انجام می شود
تمام انتخابهای ما کنش اجتماعی محسوب می شوند)
← باید پیامدهای کنش اجتماعی را در نظر گرفت

انسانها بر خلاف پدیده های طبیعی آگاهانه عمل میکنند پیامدهای نادیده گرفتن کنش
↓
انسان در شرایط گوناگون
رفتارهای متفاوتی از خود
نشان میدهد به همین دلیل
کنش انسانها را نمیتوان فقط
با روش تجربی تحلیل کرد

رویکرد تبیینی بر آنچه
مشاهده می شود تمرکز می کند و
معانی کنش انسان را نادیده
میگیرد
←
رکود اراده ها
افول معانی
سقوط ارزش ها



کنش اجتماعی ارادی است

رکود اراده‌ها

جامعه‌شناسان تبیینی با تاکید بیش از اندازه بر نظم و ساختارهای اجتماعی و یکسان

دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی اراده و خلاقیت انسانها را نادیده می‌گیرد

پیامد تاکید افراطی
انقلابهای اجتماعی اندیشه‌های جدید شاهکارهای هنری و اختراعات
بزرگ هنگامی به وجود می‌آیند که انسان از نظم موجود گامی فراتر بردارد

انقلابهای اجتماعی اندیشه‌های جدید شاهکارهای هنری و اختراعات بزرگ هنگامی به وجود می‌آیند که انسان از نظم موجود گامی فراتر بردارد

ماکس وبر از سلطه‌ی چنین نظامی که گویا هدفی جدا از انسان و نیازهای واقعی آنها دارد به قفس آهنین تعبیر میکند

کنش اجتماعی هدفدار است

ارزش زدایی

برخی اهداف کنشگران قابل مشاهده نیستند اما انسانها اغلب در کنشهایشان به دنبال تحقق اهداف و ارزشهایی هستند که دیگران نمیتوانند آنها را مشاهده کنند در جامعه شناسی تبیینی ارزش بودن مهربانی و ضد ارزش بودن خودخواهی قابل مشاهده نیست زیرا با روشهای تجربی نمیتوان گفت مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه توزی یک رزیت اخلاقی است

بسیاری از کنشهای عاطفی، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند کسانی که فقط روشهای تجربی را معتبر میدانند با انکار ارزشهای عاطفی، اخلاقی و مذهبی دچار اخلاق گریزی می‌شوند

بزرگترین کشتار جهان در جنگهای جهانی اول و دوم میان توسعه یافته‌ترین کشورها رخ داد ← فاجعه هیروشیما و ناکازاکی

پیشرفتهای چشمگیر جهان غرب در حوزه صنعت و فناوری و فضا عمیقترین فجایع انسانی و زیست محیطی

کنش اجتماعی آگاهانه و معنادار است

نادیده گرفتن معنای کنش ← بیشتر مطالعات تبیینی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده محدود شده است در حالی که ما در جهان اجتماعی با افراد آگاه سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیرهای آنها از خودشان به فهم همدلانه کنشهای آن‌ها دست پیدا کنیم

معنازدایی

تاکید بیش از اندازه رویکرد تبیینی بر نظم اجتماعی منجر به حذف ارزش و اخلاق از بین رفتن شور زندگی انسانها میشود
نظریه پردازان کنش اجتماعی آگاهی و معنا داری را مهمترین ویژگی کنش اجتماعی میدانند
اراده و ارزش را مهم میدانند ولی تابع آگاهی و معنا
همین نگاه مسیر را برای عبور از جامعه شناسی تبیینی و روی آوردن به جامعه شناسی تفسیری هموار ساخت

درس پنجم

انسان و بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول کرده است معنای زندگی
پرسش از معنای زندگی درباره کل زندگی انسان و درباره تمام پدیده های اجتماعی از جمله کنش ها مطرح است

معنای زندگی

- ✓ یکی از پرسشهای مهم و کلیدی برای اندیشمندان علوم اجتماعی ← چگونه میتوان معنای زندگی و معنای کنش انسان های دیگر را فهمید
- ✓ بررسی و مطالعه پدیدههای انسانی و اجتماعی بدون توجه به عمق آنها به نتیجه گیریهای غلط منجر می شود

پدیده مرگ در شهادت طلبی فدا کردن جان برای وطن و
تفاوت در معنای متفاوت آنها است
← خودکشی شباهت دست شستن از جان و زندگی در دنیا و
← استقبال از مرگ است. تفاوت
آنها در همین معانی متفاوت
است که هویت آنها را نیز
تعیین می کند و از آنها سه
پدیده مختلف می سازد.



✓ خودکشی یک کنش غیر عادی است که از گرایش به مردن به جای زنده ماندن حکایت دارد گرایشی که بر خلاف طبیعت و سرشت انسان است

شوق به حیات جاودانه دفاع از غرور ملی رنج گریزی عشق به دیدار محبوب

میهن دوستی احساس پوچی

دفاع از دین مبارزه با ظلم فدا کردن جان برای وطن غلبه بر دشمن

کشورگشایی بحرانه‌های اجتماعی مبارزه با باطل و... هیجان ...

معانی مختلف مرگ

✓ شباهت همه این معانی دست شستن از جان و استقبال از مرگ اما تفاوتشان در معانی مختلف آنهاست.

انقلاب صنعتی ← افزایش خودکشی در جوامع ← جامعه شناسان روان پزشکان اقتصاددانان حقوق دانان و فیلسوفان را به مطالعه این پدیده و چاره اندیشی برای آن وا داشت

✓ پاسخ های صاحب نظران علوم مختلف به چرایی وقوع خودکشی باهم متفاوت است

✓ حتی اندیشمندان یک حوزه هم درباره علت خودکشی نظرات متفاوت دارند

✓ از نظر برخی از اندیشمندان علت خودکشی ← عوامل اقتصادی (فقر ، کاهش رفاه عمومی)

✓ از نظر برخی دیگر از اندیشمندان علت خودکشی ← سطح رفاه عمومی بالا

نشانه پیچیدگی و

نظریات متفاوت

دشواری فهم آن

عمق پدیده های اجتماعی وجود

اجتماعی پیچیدگی و عمق این پدیده ها را نادیده می گیرند از پدیده های اجتماعی و انسانی هویت زدایی میکنند

برخی از رویکردها برای دست یابی به پاسخهای ساده و کاملا قابل پیش بینی درباره چرایی وقوع پدیده های

در قرن نوزدهم میلادی برخی از متفکران اجتماعی آلمانی از جمله ویلهلم دیلتای و ماکس وبر، مدعی شدند که هرچند جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی، نظم و قواعد خاصی دارد اما انسان ها مانند موجودات طبیعی نیستند و پدیده های اجتماعی یز با پدیده های طبیعی تفاوت دارد.

اما انسان‌ها مانند موجودات طبیعی نیستند و پدیده‌های اجتماعی نیز با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارد.

وبر معتقد بود کنش اجتماعی معنادار است

پدیده‌های معنادار را نمی‌توان همانند پدیده‌های طبیعی از طریق حواس مطالعه کرد بلکه باید معنای آن‌ها را فهمید

ماکس وبر با اینکه فهمیدن را برای درک معنای پدیده‌های اجتماعی ضروری می‌دانست اما از آنجا که هنوز علم را به علم تجربی محدود میدانست معتقد بود آنچه جامعه

آنچه جامعه‌شناسان می‌فهمند باید با روش تجربی اثبات گردد و گر نه ارزش علمی ندارد

بنابراین تفهم را روش مستقلى برای علوم انسانی نمیدانست بلکه آن را مقدمه و پیش‌نیازی برای روش علمی که همان روش تجربی بود می‌انگاشت

به همین دلیل و بر جامعه‌شناسی خود را تفهیمی-تبیینی معرفی میکرد

تبیین در حاشیه‌ی تفسیر

از نظر او جامعه‌شناس فقط میتواند آرمان‌ها و ارزشهای اجتماعی را توصیف کند اما نمی‌تواند درباره آرمان‌ها و ارزش‌ها که پدیده‌های نامحسوس و غیر تجربی اند، داوری علمی کند

اگر جامعه‌شناس درباره درست یا غلط بودن ارزشها داوری کند و به نقد و اصلاح آنها بپردازد کار جامعه‌شناس از دایره علم خارج میشود و به نام علم کار غیر علمی کرده است

اما در قرن بیستم نتایج این باور که مرز علم و غیر علم را تجربه و تبیین تجربی تعیین میکند مورد تردید قرار گرفت و زمینه رونق و غلبه "تفسیر" و "رویکرد تفسیری" فراهم شد.

تبیین ← دانش جهان شمول (قوانین همه جایی و همیشگی)

تفسیر ← (دانش محلی) این جایی و اکنونی ← همه دانشها تولیداتی اجتماعی و فرهنگی هستند



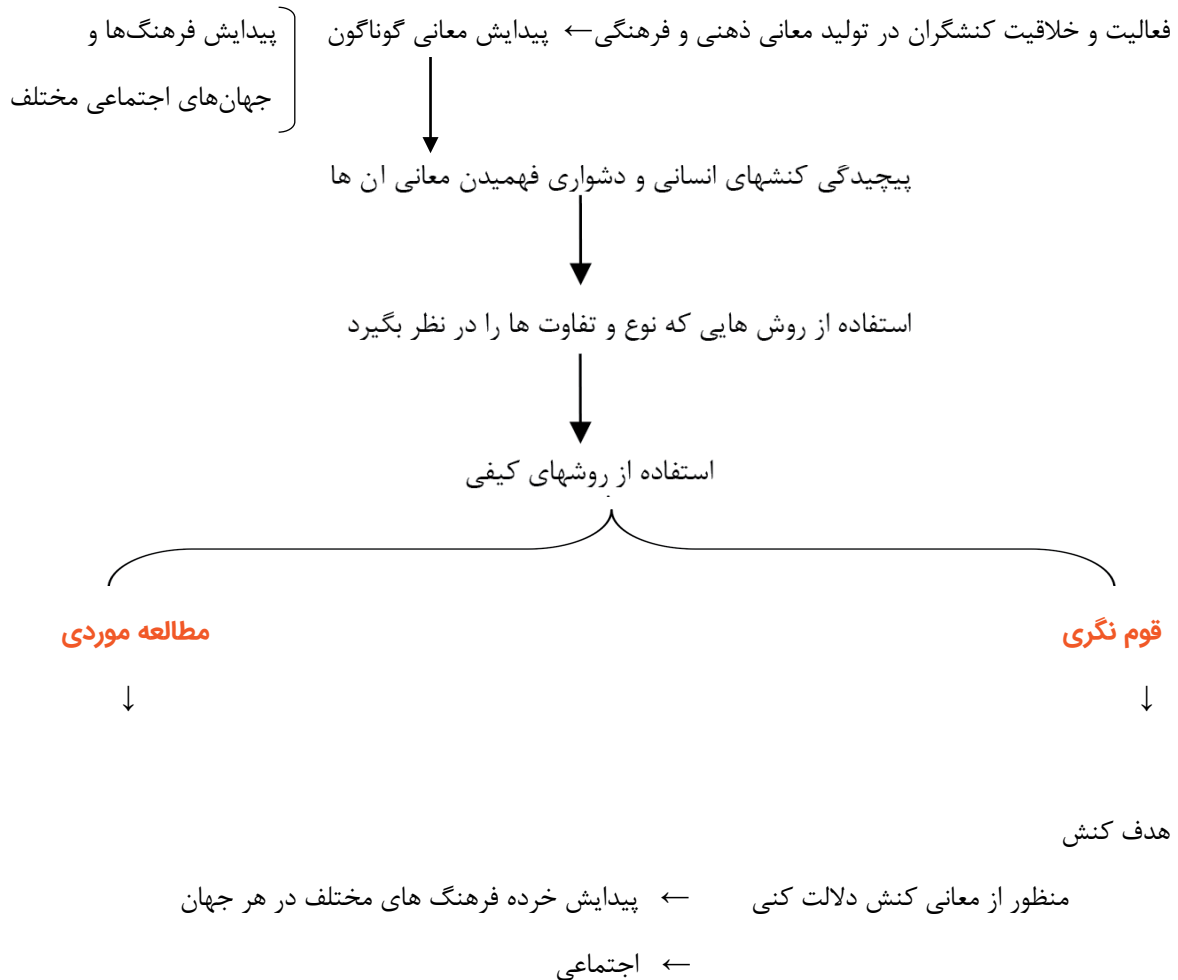
فرهنگ‌های گوناگون تفسیرهای مختلفی از زندگی دارند و هر کدام دانشهای خاص خود را تولید می‌کنند

با غلبه رویکرد تفسیری این بار تبیین در حاشیه تفسیر قرار میگیرد علوم انسانی و اجتماعی دیگر دغدغه نزدیک شدن به علوم طبیعی را ندارند و تفسیر به عنوان روش مستقل و ویژه‌ی علوم انسانی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود

رویکرد تفسیری ← در تقابل با رویکرد پوزیتیویستی اعتقاد دارند کنشگران بر اساس معنایی که در ذهن دارند دست به عمل می‌زنند



برای فهم زندگی اجتماعی باید از ظاهر پدیده‌های اجتماعی عبور کرد و به معنای نهفته در کنشها راه یافت



قصد و هدف کنشگر از انجام کنش ← به ذهن کنشگر راه پیدا کنیم ← دسترسی به معنای ذهنی (فردی) چیزی است که کنش انسان، نماد و نشانه‌ای از آن است و بر آن دلالت می‌کند ← مراجعه به زمینه فرهنگی که کنشگر در آن عمل می‌کند



دسترسی به معنای فرهنگی { اجتماعی }

قوم نگاری

مطالعه موردی

پژوهشگر با قومی که قصد تحقیق درباره آنها را دارد زندگی میکند خود را در شرایط فرهنگی آن قوم قرار میدهد و کنش هایشان را تجربه میکند

اگر محقق بخواهد تمامی ابعاد یک پدیده اجتماعی خاص مثلاً یک فرد، نهاد اجتماعی با یک فرهنگ را مطالعه کند و عمق پنهان و منحصر به فرد بودن آن را نشان دهد از این روش استفاده میکند

موضوع	روش	هدف
کنش های اجتماعی و معنای آن ها	تفسیر	معنا بخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی
(نگاه از درون به پدیده ها برای یافتن معنای آن ها)		

با هم به شکل گروهی و جمعی زندگی میکنند ← زندگی جمعی مسائل مشترکی پدید می آورد که باید با هم درباره آنها تصمیم بگیرد

جوامع انسانی به دلایل متفاوت زیستی و طبیعی جغرافیایی تاریخی و فرهنگی همواره متفاوت بوده اند حتی در یک اجتماع کوچک انسانی نیز افراد و گروه ها باهم متفاوت اند



باعث بوجود آمدن اختلاف ها و تضاد در میان آنها

هرچه در گذر زمان جوامع پیچیده تر می شوند ← سیاست ضروری تر و پیچیده تر

تدبیر و تنظیم امور
ضمانت اجرای قانون

دو بعد اصلی سیاست

❖ آیا سیاست تدبیر امور یا همان اداره کردن جامعه است؟

❖ یا سیاست سازوکار کسب قدرت حفظ قدرت و افزایش آن است؟

قدرت ← وجه عینی و محسوس سیاست و جنبه الزام آور آن

در گذشته

هرگز قدرت مسئله اول و اصلی سیاست نبوده است
 قدرت وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت‌های اخلاقی قلمداد می شده است
 البته این امر به این معنا نیست که همه حاکمان و قدرتمندان در عمل به چنین اندیشه و نگاهی
 پایبند بوده اند؛ بلکه منظور این است که تلقی عمده فرهنگها و جوامع بشری از سیاست و قدرت
 این گونه بود سیاستمداران و قدرتمندان نیز حداقل در ظاهر ناگزیر از توجه به چنین
 معنایی از سیاست و قدرت بودند
 رواج سیاست نامه نویسی و سیاست نامه ها که مجموعه نصیحت‌هایی برای ملوک و پادشاهان بود شاهد
 این واقعیت است

در قرون اخیر

خود قدرت صرف نظر از اینکه وسیله تحقق ارزشهای اخلاقی باشد مستقلاً دارای اهمیت
 شده است
 در قرون اخیر قدرت به مسئله اصلی سیاست و جوهر آن تبدیل شده است
 برخی همه سیاست را قدرت میدانند برخی بخش عمده‌ای از اون را قدرت می پردازند
 سیاست با غایت و فضیلت دآوری نمیشود بلکه بیشتر با آرمان، پیروزی موفقیت و تسلط
 ارزیابی می گردد

آیا قلمرو سیاست، محدوده حکومت و دولت است یا سیاست قلمرو عام تری دارد؟

در گذشته ← سیاست محدوده حکومت و دولت به حساب می آمد

← امروزه تمامی جامعه می تواند قلمرو سیاست باشد

❖ البته این سخن به این معنا نیست که هر نگاه به جامعه و هر وجهی از جامعه، سیاسی باشد

اما پس چگونه می توانیم امور سیاسی و غیر سیاسی را از یکدیگر تشخیص بدهیم؟

❖ هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروههای اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت یا

با قدرت سروکار دارد، سیاسی به شمار می رود در گذشته ← سیاست و نهاد حکومت یکی گرفته می شد

سیاست

سیاست را با هیچ مقوله عینی و محسوسی یکی نمی گیرند
در کل جامعه و همه اجزای آن وجود دارد
مجموعه روشهایی است که هر واحد اجتماعی برای تحقق اهداف جمعی به کار می گیرد

قدرت

محقق کردن اهداف یک نظام اجتماعی به شیوه کارآمد و موثر است
امروزه ضمانت اجرای هرگونه عمل جمعی است
آمریت (فرماندهی و فرمانبری) نهادینه شده در جامعه است که هر موقع در جامعه از کار بیفتد از زور
استفاده میشود قدرت از سطح خرد تا کلان منتشر شده است و در صورت فقدان آن بقای جامعه با
خطر جدی مواجه می شود
تمام نقش ها و روابط نقشی وجود دارد و در همه قسمتهای جامعه جاری است

هرکس قدرت بیشتری دارد عمل جمعی بیشتری انجام می دهد

قدرت موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد دارای قدرت است ← انسان کنشگری قدرتمند است
زیرا کارهای خود را با اراده و آگاهی انجام می دهد

انواع قدرت

قدرت فردی

فردی نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده کند
قدرت فردی انسان محدود است
برای تامین برخی از نیازهایش به کمک دیگران احتیاج دارد

قدرت اجتماعی

زمانی است که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران
اثر گذارد
کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد
آنان که توان اثرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند قدرت اجتماعی
بیشتری دارند



] خشونت و زور، فرد به دلیل اجبار تبعیت می‌کند	تنبیه	ابزارهای اعمال قدرت
] تشویق فرد در تشویق بخاطر {ثروت، درآمد، پاداش مالی و...} تبعیت می‌کند و پیروی‌کننده نسبت به تبعیت خود آگاه است.	تشویق	
] اقناع تعهد اجتماعی تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت ← تابعیت فرد از آنچه فرد درست، حق و هنجار می‌پندارد	اقناع	

در اقناع تبعیت و پیروی نشان دهنده کار درست است
پیروی‌کننده متوجه تبعیت و پیروی خود نمی‌شود
برای پیروی، محاسبه سود و زیان خود نمی‌کنند.

در مواردی از طریق درست و در مواردی در مسیر نادرست شکل می‌گیرد
امروزه قدرت تنبیهی منحصر و متمرکز در دست ← دولتها از طریق قانون و پیمودن مسیر قانونی اعمال می‌شود

انتظار می‌رود افراد مطمئن شوند از ناحیه گروهی مورد ضرب و شتم و تنبیه قرار نمی‌گیرند

منابع و عوامل قدرت هیچ‌کس نباید به صورت خودسرانه به اعمال خشونت و تنبیه دیگران بپردازد



اگر هم چنین رفتارهایی مشاهده شود در ذهنیت جامعه و عموم مردم جایگاهی ندارد و رفتاری مذموم و به دور از عقلانیت و تمدن قلمداد می‌شود

خصلت های جسمانی (قد هیکل و ...) ، فکری ، بیانی ، اخلاقی ، هوش جاذبه یا دیگر ویژگیهای شخصیتی که موجب دست یافتن به یک یا چند ابزار قدرت می شود

در جوامع نخستین قدرت بدنی منبعی برای دستیابی به قدرت بود و هنوزم در برخی از گروه ها برای مردان قوی هیکل و قوی پنجه منبع قدرت است

در جوامع کنونی شخصیت با قدرت اقناعی یعنی توانایی ترغیب ایجاد باور نزدیکی بیشتری دارد

ثروت وجه و شکوهی به عامل قدرت میدهد که همان اراده و قاطعیت اوست و میتواند موجب اطاعت اقناعی دیگران شود ولی مسلم است که مالکیت بیشتر با قدرت تشویقی قرابت دارد

تشویقی

جمع کسانی که منافع ارزشها یا برداشت های مشترکی دارند

سازمان مهم ترین منبع قدرت در جوامع امروزی است

انسجام اجتماعی - پیوند میان افراد و گروههای انسانی مانند ← رابطه همکاران و هم وطنان و هم کیشان را در بر میگیرد

یکپارچگی نظام - پیوند میان نقشها واحدها و ساختارهای اجتماعی مثل ← رابطه بین اقتصاد و سیاست یا علم و سیاست را شامل میشود

سازمان ها

لازمه سازمان ، پذیرفتن هدفهای سازمان توسط اعضای آن است سازمانی که اعضای آن به طور یکپارچه اهداف آن را قبول نداشته باشند نمی تواند اطاعت افراد بیرون از خود را تضمین کند جوامع خود بزرگ ترین و موثرترین سازمان ها هستند

امروزه از ابزارهای تنبیهی (زور خشونت و....) کمتر از ابزارهای تشویقی، (ثروت درآمد پاداش مالی و ...) استفاده می شود.

جوامعی که در آن اخلاف و چند دستگی به وجود میآید در مقابل رقیبانشان آسیب پذیر میشوند

از ابزارهای تشویقی نیز کمتر از ابزارهای اقناعی (فکر، آموزش، تبلیغ) استفاده می شود.

تغییرات ابزار اعمال قدرت در طول تاریخ

از اثرگزاری و تاثیر شخصیت (قد، هیکل، هوش، قدرت بیا و...) کاسته شده است

در شرکتهای بزرگ از سهم مالکیت و نقش سهامداران کاسته شده و بر نقش مشاوران و مدیران افزوده شده.

تغییرات منافع قدرت در طول تاریخ



این تغییرات به اندازه‌ای مهم بوده است که مالکیت و شخصیت به پشت گرمی سازمان، موثر واقع می‌شوند

قدرت مفهومی است مسئله برانگیز و به شکل اجتناب ناپذیری ارزشی است سخن گفتن از قدرت و سیاست به ندرت بی طرفانه است

برخی مردم سیاستمدار را فردی مقتدر و منتفذ می‌شناسند و برخی ستم پیشه و ریاکار. البته میزان زیادی از این واکنشها به سوگیری خود افراد بر می‌گردد

مردم قدرتی را که مانع فرار مالیاتی ثروتمندان میشود را تحسین میکنند ولی همین قدرت از سوی کسانی که تمایل به تخلف مالیاتی دارند نکوهش میشود قدرت و علوم اجتماعی سابقه تاریخی اعمال تنبیهی قدرت شهرت ترسناکی برای قدرت پدید آورده است

ویژگی‌های قدرت

قدرت اقتناعی بر بسیاری از اعمال قدرتها سرپوش میگذارد که وقتی آشکار میشود بسیار نا حق به نظر میاید ولی هیچکدام ازین ها باعث نمیشود که قدرت پدیده ای نفرت انگیز قلمداد شود قدرت یک ضرورت اجتماعی است و در زندگی اجتماعی اعمال قدرت یا تبعیت برخی در برابر خواست و اراده دیگران اجتناب ناپذیر است آشکار است که قدرت نامشروع غیر اخلاقی و فساد و شر اجتماعی میباشد ولی خود قدرت به هیچ وجه امر شر و پلیدی نیست از این رو همواره باید قدرت را با رویکرد عالمانه و منتقدانه‌نگریم تا شرعی اخلاقی و قانونی بودن آن را دریابیم در عین حال باید مواظب باشیم از مواجهه بدبینانه و زاهدانه با قدرت نیز خودداری کنیم

سیاسی ← یا با تغییر وضع موجود یا با هدف حفظ وضع موجود

هدف از کنش

❖ تمامی کنشهای سیاسی با دو مفهوم بهتر و بدتر هدایت میشوند اما چگونه میتوان بهتر و بدتر را تشخیص بدهیم؟
مهم ترین هدف ما در زندگی ← دستیابی به فضیلت های فردی و سعادت همگانی ← فضیلت و سعادت در زندگی خوب
یا جامعه خوب به دست می آید
فعالتهای سیاسی باید در جهت
دستیابی به جامعه خوب برای
دستیابی به فضیلت و سعادت باشند

امور سیاسی همواره مورد انتخاب یا طرد، تایید یا رد ستایش یا نکوهش قرار میگیرند: اموری خنثی نیستند و همواره از انسان اطاعت و فاداری و تصمیم میخواهند

امور سیاسی لازم است که آنها را بر اساس ملاک‌هایی ارزیابی بکنیم

شاید در عمل تشخیص خوب از بد بسیار دشوار باشد اما غیر ممکن نیست ارزیابی و داوری درباره ارزشهای سیاسی اگر نتوانیم تشخیص دهیم کدام یک از دو کوهی که قله‌های آن پشت ابر هاست بلند تر است بدین معناست که نمیتوانیم تشخیص دهیم که کوه از تپه خاکی بلند تر است؟
آیا باید دشواری خوب و بد را بهانه‌ای برای دست کشیدن از شناخت معتبر و علمی دانست و ادعا کرد که داوری عقلانی و علمی میان ارزشهای سیاسی و به تبع آن، داوری درباره پدیده‌های سیاسی و قدرت غیر ممکن است؟

یکسان انگاری نظم اجتماعی و نظم طبیعی ← طبیعی پدیده طبیعت یک نظم جهان شمول دارد ← نتایج مطالعه بر روی طبیعت میتواند در هر مکان و زمانی میتواند به تمامی مکان‌ها و زمان‌ها تعمیم داده شود.

←

جوامع و فرهنگ‌ها همانند طبیعت نیستند نمی‌توانیم نتایج حاصل از مطالعه جوامع غربی را به همه جوامع دیگر تعمیم دهیم

برای پیشگیری از این خطر

ناگزیر به مطالعه سایر جوامع هستیم ← ممکن است در مطالعه سایر جوامع به معانی فرهنگی آنها توجه نکنیم و آن‌ها را از منظر غرب یا شرق مطالعه کنیم

برای پیشگیری از این خطر

سعی کنیم جوامع و فرهنگهای دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم (یعنی با رویکرد تفسیری به بررسی آن‌ها بپردازیم)

با مشکل تعدد و تنوع فرهنگها و جوامع معاصر مواجه می‌شویم

علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان ناپذیر و تمام نشدنی می‌سازد

تعدد و تنوع فرهنگ‌ها { فرهنگ‌های مختلف معمولاً در مرزهای خودشان محدود نمی‌مانند } ما را ناگزیر برای تشخیص ارزشهای صحیح از ارزش‌های غلط می‌کند



اگر علوم اجتماعی فرهنگها را از منظر خودشان ببیند ← امکان مقایسه و داوری فرهنگها و ارزش ها از بین می رود

❖ جامعه شناسی تبیینی با منحصر کردن علم به علوم تجربی ارزشهای انسانی از جمله ارزشهای سیاسی را که تماما مادی و محسوس، نسبتند قابل مطالعه علمی نمیداند و ناگزیر با معنزدایی و ارزش زدایی از سیاست

و قدرت و فروکاستن آنها به پدیدههای مادی و فاقد معنا از شناخت واقعی آن ها باز می ماند

سیاست

جامعه شناسی

و قدرت را پدیدههای معنادار و ارزشی می داند

تفهمی - سیاست و قدرت را پدیده‌ای معنادار و ارزشی می‌داند، اما به توصیف ارزش‌های سیاسی مختلف بسنده می‌کند و نمی‌تواند برای نقایسه آنها با یکدیگر و تشخیص درست از غلط یا خوب از بد، معیاری به دست آورد

سیاست و قدرت خارج از ذهن مردم بعد محسوس و واقعی دارد که این رویکرد به علت تمرکز بر ذهنیتها توان مطالعه آن را ندارد

نمی توانند معیاری برای ارزیابی و داوری علمی درباره قدرت و سیاست به دست آورند

نقد جامعه شناسان انتقادی به رویکرد پوزیتیویست و تفهمی ←

محافظه کارند - هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند

انسانها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می سازند

لیبرال دموکراسی

مباح دانستن همه امور در ارتباط با انسان

← اکثریت مردم بر اساس خواست خود

ویژگی های لیبرال

نظام سیاسی سازگار با فرهنگ غرب که رویکرد سکولار و دنیوی به جهان هستی دارد

دموکراسی آزادی مهم ترین ارزش و ثبات، رفاه سلطه بر طبیعت از دیگر ارزش های مهم آن است.

در این نظام فقط میتوان از مقبولیت قدرت حرف زد و نمی توان از مشروعیت سخن گفت.

حضور موثر اکثر مردم در تعیین سرنوشت سیاسی جمهوری اسلامی

← فعالیت مردم و نظام سیاسی بر اساس عقاید و ارزشهای اسلامی

← قوانین و مقررات با خواست و اراده مردم و بر اساس احکام الهی و اسلامی تعیین میگردد

ارزشهای سیاسی و قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته میشوند

در این نظام میتوان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت

مردم مسئولیت شناخت و اجرای آن را بر عهده دارند

درس هفتم

دو پیشنهاد درباره چگونگی پرداخت دستمزد

پیشنهاد گروه اول

افراد و گروههای توانگر را در اولویت قرار می دهند

به هرکس به اندازه شایستگی که دارد دستمزد پرداخت شود

تاکید بر تفاوت های افراد (توان جسمی، ذهنی، انگیزه، مهارت)

همانطور که بازار قیمت کالا را براساس قانون عرضه و تقاضا

تعیین می کند.

دولت تعیین میکند قیمت کار افراد را نیز مشخص می کند

پیشنهاد گروه دوم

افراد و گروههای کم توان را در اولویت قرار میدهد

هرکس به اندازه توانش کار میکند اما به اندازه

نیازش دستمزد می گیرد

تاکید بر شباهت های (افراد هم نوع، هم وطن، همکار

بودن)

بازار نمی تواند ارزش واقعی کالاها کار افراد را

مشخص کند دخالت برای کنترل بازار لازم است

دولت به نمایندگی از همه و به نفع همه عمل میکند

نابرابری اجتماعی: نابرابری که افراد به طور طبیعی

باهم فرق دارند. قد، هوش (تفاوت های میان افراد)

تفاوت های اسمی: نمیتوان افراد را براساس این

نوع تفاوت رتبه بندی کرد.

نابرابری طبیعی: نابرابری هایی که در جامعه ایجاد

می شوند (ثروت، تحصیلات)

تفاوت های رتبه ای: میتوان افراد را براساس این

نوع تفاوت رتبه بندی کرد.



انواع تفاوت

- تفاوت اسمی
- تفاوت طبیعی
- تفاوت اجتماعی

در صورتی که به نابرابریهای اجتماعی منجر شوند مورد توجه جامعه شناسان قرار می گیرند.

نابرابری: جامعه شناسان در مطالعه نابرابریهای اجتماعی به قشربندی در جوامع توجه دارند .

علت نابرابری: مزایای اجتماعی (ثروت قدرت و دانش) به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده اند (عده ای در بالای سلسله مراتب اجتماعی قرار گرفتند و برخی در پایین) رویکردهای مختلف درباره نابرابری اجتماعی

رویکرد لیبرالی:

- ۱- نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد
- ۲- نابرابری اجتماعی نتیجه تفاوتها و نابرابریهای طبیعی است پس عادلانه است
- ۳- طرفدار قشربندی اجتماعی هستند و معتقدند که از گذشته تا حال هیچ جامعه ای بدون قشربندی نبوده است و قشربندی در همه زمانها و مکان ها وجود داشته است
- ۴- طرفداران قشربندی معتقدند که نابرابری اجتماعی نتیجه تفاوتها یا نابرابریهای طبیعی هستند پس عادلانه اند اما نابرابری اجتماعی همیشه نتیجه نابرابری طبیعی نیست
- ۵- در هر جامعه‌ای برخی از افراد در طبقه بالا و برخی دیگر در طبقه پایین متولد می شوند یعنی نقطه شروع رقابت یکسان نیست.
- ۶- کودکانی که در طبقه بالا متولد میشوند نسبت به کودکانی که در طبقه پایین متولد میشوند از امکانات آموزشی بهتری برخوردارند در چنین شرایطی یک نابرابری اجتماعی مقدمه نابرابریهای اجتماعی بعدی میشوند نه یک تفاوت و نابرابری طبیعی
- ۷- آنها با طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی نقش انسانها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن آن را نادیده میگیرند و تغییر در آن را امکان پذیر نمیدانند.
- ۸- با تاکید بر کارکردهای قشربندی، آنها تایید و تثبیت می کند.
- ۹- آن ها رقابت را در زندگی، اجتماعی ضروری میدانند اما از این نکته مهم غافلند که در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت یکسان باشد

رویکرد کمونیستی:

- ۱- نابرابریهای اجتماعی ناشی از تفاوتها و نابرابریهای طبیعی نیست بلکه نتیجه روابط سالم سلطه جویانه میان انسان هاست و باید با آن مبارزه کرد
 - ۲- عدالت اقتصادی را مهم میدانند و معتقدند با توزیع برابر، ثروت عدالت برقرار خواهد شد.
 - ۳- مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه نابرابری اجتماعی شده است بنابراین برای ایجاد برابری باید مالکیت خصوصی از بین برود.
 - ۴- اگر مالکیت خصوصی از بین برود دیگر طبقه پایین نخواهیم داشت و همه شرایط یکسانی خواهند داشت
 - ۵- قشربندی اجتماعی توسط انسانها پدید آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست آن هاست.
 - ۶- آنان خواهان از میان برداشتن قشربندی هستند.
- حذف مالکیت خصوصی راه حل مناسبی برای برقراری عدالت اجتماعی نیست!
- چون راه پیشرفت مادی مسدود می شود.

رویکرد عدالت اجتماعی:

- ۱- مالکیت خصوصی لغو نمیشود اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع را رقابت یکسان نماید
- ۲- این رویکرد نه با رهاسازی مطلق موافق است نه با کنترل مطلق.
- ۳- نه اجرای عدالت را به دست نامرئی بازار میسپارد و نه دخالت همه جانبه دولت را می پذیرد
- ۴- این رویکرد به دنبال برقراری عدالت اجتماعی است اما به بهانه عدالت آزادیهای افراد و امکان رقابت میان آنها را از بین نمیرد.

نقش دولت:

- ۱- نیازهای ضروری همه افراد مانند، خوراک، پوشاک و مسکن را تامین می کند.
 - ۲- برای کاهش نابرابری، اجتماعی از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند.
- نقش رویکرد لیبرالیستی:** افرادی که در طبقه پایین اجتماعی متولد میشوند حتی با داشتن شایستگی و تلاش برابر با افرادی که در طبقه اجتماعی بالا متولد می، شوند به سادگی امکان رقابت ندارند.



در رویکرد اول نقطه آغاز رقابت عادلانه نیست

نقد

رویکرد کمونیستی: افراد توانمند و کوشا به اندازه استحقاقی که دارند از مزایای اجتماعی برخوردار نمی شوند.

در رویکرد دوم نقطه پایان رقابت عادلانه نیست

پیوند دانش و ارزش:

۱- غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب شد که کار داوری درباره ارزشها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد و غیر علمی قلمداد شود.

۲- در این نگاه انتقاد از وضعیت موجود و تجویز راه حل برای بهتر شدن آن کار علم نبود.

دانش: قلمرو تبیین

ارزش: قلمرو تفسیر

۳- با غلبه رویکرد تفسیری رویکرد تبیینی به حاشیه رفت و راه بازگشت دعاوی انتقادی و تجویزی به علوم اجتماعی باز شد.

۴- این بار از پیوند دانش و ارزش سخن به میان می آید و دانش انتقادی شکل می گیرد.

جامعه‌شناسی انتقادی:

۱- دانش انتقادی دانشی است که از وضعیت موجود انتقاد میکند و میخواهد برای عبور از وضع موجود و برای رسیدن به وضع مطلوب راه حل ارائه کند.

۲- به توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی بسنده نمی کند بلکه به داوری ارزشی پدیده‌های مورد مطالعه می پردازد و آن را با ملاکهای ارزشی خوب و بد (و هنجاری) باید و نباید ارزیابی می کند.

۳- علم را به معنای حسی و تجربی آن محدود نمی کند و تلاش میکند از محدودیت‌های علم تجربی رها شود تا بتواند چنین معیارهایی را جستجو کند.

افراد در زندگی گروهی خود با یکدیگر جهان اجتماعی و ساختارهای آن را می‌سازند
زندگی اجتماعی انسان دو وجه دارد
هر جهان اجتماعی الزامها و پیامدهایی دارد که زندگی انسانها را متاثر می سازد.

کنش و ساختار:

- ۱- تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست پیامدهای آن نیز باقی است.
- ۲- با تغییر جهان اجتماعی موجود و به دنبال آن برداشته شدن الزام هایش جهان اجتماعی جدیدی شکل میگیرد و پیامدهای دیگری به دنبال می آورد.
- ۳- همواره این امکان وجود دارد که یکی از این دو وجه زندگی اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و وجه دیگر آن نادیده گرفته شود.
- ۴- مثلاً پیامدهای جهان اجتماعی بیشتر مورد تاکید قرار بگیرند ولی این وجه که جهان اجتماعی ساخته انسان هاست نادیده گرفته می شود یا بالعکس.
- ۵- برجسته کردن یک وجه زندگی اجتماعی و تاکید بر آن و نادیده گرفتن وجه دیگر میتواند آثار و پیامدهای نامطلوبی برای زندگی اجتماعی به وجود آورد.
- ۶- جامعه شناسان انتقادی هم بر توانایی افراد در ساختن جهان اجتماعی تاکید میکنند اما کم توجهی رویکرد تفسیری به ساختارهای اجتماعی و تاثیر آن ها را بر زندگی افراد را درست نمی دانند.
- ۷- جامعه شناسان انتقادی معتقدند گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن که به دست خود انسانها ایجاد شده‌اند سازندگان خود را زیر سلطه در می آورند.
- ۸- بی توجهی به ساختارهای اجتماعی به معنای چشم پوشی از پیامدهای مخرب آن هاست زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی را ناممکن ساخته و در نتیجه امکان کنترل آثار مخرب آنها از دست می رود.
- ۹- گاهی پیامدهای معناها و اراده های فرد یا گروهی بر فرد گروه یا فرهنگ دیگری تحمیل میشود گاهی، معناها ارزشها و ساختارهایی که گروه یا قومی می سازند گروه یا قوم دیگری را زیر سلطه خود در میآورند و سرکوب می کنند.
- ۱۰- آنها بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر تاکید میکنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان پیشگیری کنند و زمینه شکل گیری ساختارهای اجتماعی انسانی تر را فراهم می آورد.
- ۱۱- جامعه شناسی انتقادی به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد گروهها و فرهنگ ها می پردازد.

دستاوردهای جامعه شناسان انتقادی:

- ۱- شناسان انتقادی با پذیرش رویکرد تفسیری معتقدند که تمامی معانی و ارزشها ساخته و پرداخته اراده‌های افراد گروه ها و فرهنگ هاست.
- ۲- هر فرد گروه و فرهنگی اراده خاص خود را دارد و معانی و ارزشهای ویژه خود را خلق میکند هیچ کدام بهتر یا بدتر از دیگری و هیچکدام درست یا غلط و حق و باطل نیستند.
- ۳- رویکرد انتقادی هیچگونه حقیقت و فضیلتی را کشف نمیکند تا براساس این حقایق و فضائل به نقد کنشها و روابط میان انسان ها و جوامع بپردازد.



- ۴-** برای دفاع از اراده، افراد گروه‌ها و فرهنگ معتقد است نباید اراده فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگری تحمیل شود یا فرهنگی از گستره جغرافیایی و محدوده تاریخی خود فراتر رود و بر فرهنگ دیگری اعمال سلطه کند.
- ۵-** اگر اراده فرد یا گروهی سرکوب گردد، مصداق سلطه است و باید به انتقاد از آن پرداخت.

درس هشتم

تنازع هویت ها

مدل همانندسازی (وحدت هویت ها)	مدل تکثرگرا (اکثر هویت ها)
مدل رایج سیاست گذاری در دوره مدرن بود	مدل رایج در دوره پسامدرن بود
به معنای پذیرش ارزشها و سبک زندگی یک گروه توسط	تفاوت های موجود میان گروههای قومی و زبانی حفظ و گروه های جامعه بود
سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی	بر آزادیهای اجتماعی اقوام و گروه های مختلف
تاکید می‌شود.	و فرصت سهیم شدن آنها در قدرت سیاسی تاکید می شود
مثل نسل کشی در کامبوج و کشتار مسلمانان میانمار	راهکارهای مسالمت آمیز برای حل منازعات گروهی و قومی
	ارائه می شود
	گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و گروهی هویت
	مورد توجه قرار می‌گیرد

مثل کوکلاس کلان ها تعارف هویت ها:

- ۱-** شناخت متقابل هویتها یا الگوی تعارف در مقابل دو الگوی همانند سازی و تکثر گرا (تنازع) قرار می‌گیرد.
- ۲-** تعارف به معنای شناخت متقابل است.
- ۳-** همان الگویی است که قرآن ارائه می کند.
- ۴-** تکثر و تنوع زبانی و نژادی و قومی را مانع وحدت و همدلی نمیداند بلکه انسانها را به منشا وحدت رهنمون می سازد.
- ۵-** کمک می کند که افراد و جوامع تفاوت های یکدیگر را درک کنند و به این تفاوت ها احترام بگذارند و هم اشتراکاتی را ایجاد کند که به بهتر شدن روابطشان منجر شود.

مثال: برای جهان اسلام نگران کننده نبود که بزرگترین دانشمندان صرف و نحو زبان ایرانی به نام سیبویه است. و مهمترین حکمای اسلام فارابی و ابن سینا هستند.

رفیق یا رقیب رویکرد انتقادی:

رویکرد تفسیری معتقد است خود علم سلطه گری ایجاد میکند

جامعه شناسی انتقادی ریشه در رویکرد تفسیری دارد و به دنبال ملاکی برای داوری علمی درباره ارزشهاست و نمیخواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش ها بیرون از دایره علم صورت گیرد و میخواهد ظرفیت داوری را برای علوم اجتماعی نگه دارد و به دنبال معیارها و ملاک های علمی است.

باید از منظری جهان شمول به هویتها و فرهنگها با یک چشم نگاه کرد!

عبور از علم:

امروزه این هشدار به جامعه شناسان داده میشود که شما اشخاص جوامع و فرهنگها را مطالعه میکنید که هویت دارند شما درباره هویت ها و ارزش ها سخن می گوئید و در حال قضاوت و تغییر آن ها هستید. شما همواره درگیر سیایت هستید و پیوسته برخی را تحسین و برخی دیگر را تحقیر می کنید.

درس نهم:

منزلت علم

- ۱- از علم به عنوان هدف آفرینش یاد شده است.
- ۲- علم ، علت برتری انسان بر فرشتگان معرفی شده است.
- ۳- انسان به وسیله علم خلیفه خدا در زمین معرفی شده است.

انواع علوم نافع:

- ۱- علوم ابزاری پزشکی علوم فنی مهندسی و....
- ۲- علومى که درباره چگونگی استفاده از علوم ابزاری و اهداف ارزشها و آرمانهای انسان صحبت می کند.
- ۳- علومى که درباره حقیقت انسان و آغاز و انجام او سخن میگویند: علم به نفس، توحید، مبدا و معاد.
- ۴- علم به جامعه و تاریخ اگر به قصد درس آموختن از رفتار گذشتگان و شناخت قوانین اجتماعی برای استفاده از آن قوانین در حال و آینده آموخته شوند.

علوم اجتماعی در قرآن:

- ۱- به توصیف و تبیین زندگی اجتماعی انسانها و نقد و ارزیابی جوامع و فرهنگ های بشری می پردازد.
- ۲- جامعه آرمانی مورد نظر خود را ترسیم می کند. (فرهنگ حق دارد)
- ۳- فرهنگهای مختلف و امتهای گذشته را ارزیابی می کند

فارابی:

- ۱- علم اجتماعی را زیر مجموعه علوم انسانی می‌داند.
- ۲- با توجه به جوامع زمان خود و جوامع گذشته و همچنین با استدلال‌های عقلی جوامع مختلف را براساس نوع، علم، اندیشه، فرهنگ و رفتاری که دارند به انواع مختلف تقسیم کرده است.
- ۳- رویکرد آن انتقادی است.
- ۴- علوم اجتماعی را علم مدنی می‌نامد زیرا از همه ظرفیت‌های علوم اجتماعی یعنی، توصیف تبیین داوری علمی و تجویز برخوردار است.
- ۵- درباره هنجارها، رفتار و سبک زندگی کنشگران سخن می‌گوید و بایدها و نبایدهایی برای زندگی اجتماعی تجویز میکند

ابن خلدون:

- ۱- با تاثیرپذیری از قرآن به دنبال شناخت سنت های الهی در جامعه بود.
- ۲- در مطالعات خود به روش عقلی چندان توجهی نداشت.
- ۳- بیشتر از روش حسی و تجربی استفاده می‌کرد
- ۴- از جامعه آرمانی سخنی نگفت.
- ۵- از عصبیت به عنوان عامل شکل گیری جوامع یاد میکند
- ۶- دریافت خود را به همه جوامع تعمیم می‌دهد
- ۷- رویکرد آن انتقادی نیست و جامعه شناسی او در مقایسه با جامعه شناسی فارابی محافظه کارانه است.
- ۸- علم اجتماعی خود را علم عمران می‌نامد.
- ۹- روش او مشابه روشی است که چهارصد سال بعد کنت در جامعه شناسی تبیینی به کار گرفت.

ابوعلی مسکویه:

با نگاه تبیینی کتاب تجارب الامم را در هشت جلد تالیف کرد.

ابوریحان بیرونی:

کتاب تحقیق ماللهند را با روش تجربی و تفهیمی درباره توصیف فرهنگ جامعه هند تالیف کرد.
و با روش عقلی به ارزیابی انتقادی این فرهنگ پرداخت.

انواع جوامع و فرهنگ‌ها از نظر فارابی:

جامعه‌ای است که بر محور حق (علم) سازمان یافته باشد.

مدینه فاضله جامعه آرمانی مورد نظر فارابی است.

علم در مدینه فاضله فارابی به علم تجربی محدود نمی‌شود

و علوم عقلانی و وحیانی را نیز در بر می‌گیرد.

آن دسته از سنت‌های اجتماعی که ما آنها را از طریق تجربه و عقل می‌شناسیم سنت‌های الهی نیستند چون ممکن است خطا در آن باشد! مدینه‌های غیر فاضله:

۱- مدینه جاهله:

از علوم عقلی بی‌بهره‌اند مثل جوامع اساطیری

علوم ابزاری در این جوامع وجود ندارد.

۲- مدینه فاضله:

جامعه‌ای است که بر اثر انحراف عملی از مدینه فاضله شکل گرفتند.

مردم علوم عقلانی و وحیانی را می‌شناسند ولی از آنها بهره‌ای نمی‌گیرند.

مردم حقیقت و فضیلت را می‌شناسند یا امکان شناخت آن را دارند اما براساس آن عمل نمی‌کنند.

۳- مدینه فاضله:

جامعه‌ای است که براساس انحراف نظری از مدینه فاضله شکل می‌گیرد.

در این جامعه نظریات پذیرفته شده در مدینه فاضله تحریف می‌شوند و آرمانها ارزشها و امور غیر عقلانی آرمان و ارزشهای عقلانی معرفی می‌شوند.

عقل در معنای عام:

عقل ابزاری (تجربی):

پدیده‌های طبیعی و مادی را می‌شناسد.

مثل: اصل انبساط و انقباض در علوم طبیعی عوامل مهاجرت در جمعیت‌شناسی و...

به آزمون‌ها و روش تجربی پایبند است.

تولید دانش تبیینی:

جامعه‌شناسی تبیینی از آن برای پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌کند.



عقل تفسیری:

برای فهم و تفسیر پدیده‌های معنادار مانند کنش اجتماعی گفتار و متن به کار می‌رود.
تولید دانش تفهیمی-تفسیری!

مثل: بلند کردن دست دانش آموز در کلاس درس به معنای اجازه خواستن جامعه‌شناسی تفسیری از آن برای فهم دیگران یا معنابخشی استفاده میکند.

عقل انتقادی:

برای ارزیابی و داوری نسبت به مناسبات و ارتباطات انسانی به کار می‌رود.
تولید دانش انتقادی و تجویزی!

مثل: ارزیابی، عدالت آزادی و آزادگی در روابط انسانی.

درس دهم

علم فقه:

یکی از مهمترین شاخه‌های علوم اجتماعی مسلمانان است.
درباره چگونگی رفتار اجتماعی مسلمانان و جامعه اسلامی احکام و قواعدی را مطرح میکند.
رفتارها و هنجارهای اجتماعی را ارزیابی نقد و داوری میکند.
ویژگی‌های جامعه مطلوب و آرمانی را مشخص میکند (راه‌های برون رفت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را تجویز میکند).
با به رسمیت شناختن تفاوت‌های قومی، نژادی، زبانی قومی این تفاوت‌ها را به فرصتی برای شکل‌گیری امت اسلامی تبدیل کرد

آرمانهای اجتماعی فقه اسلامی:

مدارای اجتماعی با مسلمانان و همه کسانی که به دنبال زندگی صلح آمیزند.
دفاع از مرزهای اسلامی در برابر تهاجم متجاوزان و تلاش برای تحقق و گسترش عدالت

ویژگی‌های جامعه مطلوب از نظر فقه شیعه:

- ۱- روابط و ساختارهای آن با مشارکت و همراهی مردم، عادلانه باشد.
- ۲- حاکمان و کارگزاران جامعه عالم به عدالت و عمل‌کننده به آن باشند یعنی عالم و عادل باشند.

مقبولیت و مرجعیت علم فقه در فرهنگ عمومی جامعه ایران موجب آن شد که براساس این دو نظریه، فقهی دو انقلاب در یک قرن در جامعه ایران شکل گیرد.

میرزای نائینی: ما نمیتوانیم ویژگی دوم جامعه مطلوب را که مستلزم تغییر نظام شاهنشاهی است تحقق بخشیم ولی میتوانیم ویژگی اول را محقق کنیم چگونه؟ با شکل گیری مجلسی که به گونه ای عادلانه ساختارهای اجتماعی جامعه را شکل دهد.

انقلاب مشروطه:

در آغاز قرن بیستم با توجه به واقعیتهای اجتماعی ایران، با استفاده از فقه، میرزای نائینی نظام مشروطه را تبیین کرد. مشروطه، مجلس را برقرار می سازد. نظام مطلوب در زمان غیبت امام معصوم نیست ولی بهترین نظام ممکن در شرایط موجود آن روزگار است. نائینی بر حمایت مردم از تشکیل مجلس در نظام مشروطه تاکید میکند. مشروطه به معنای مشروط کردن حاکمان و حکومتی است که در چهارچوب مقررات عادلانه مجلس عمل میکند. یعنی مردم در مجلس شورا ویژگی اول نظام اسلامی را محقق می کنند

انقلاب اسلامی:

در پایان قرن بیستم امام خمینی به این نتیجه رسید که مردم میتوانند جامعه ای ایجاد کنند که هر دو ویژگی جامعه جهانی را دارا باشد.

یعنی:

هم قوانین عادلانه باشد و هم مجریان این قوانین دو شرط علم و عدالت را داشته باشند. مردم در این جامعه از طریق مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در تحقق بخشیدن به نظام مطلوب در عصر غیبت مشارکت کنند. مجلس شورای اسلامی برای برقراری شرط اول. و مجلس خبرگان برای شرط دوم

عقل خاص:

عقل عملی: بایدها و نبایدها و احکام ارزشی را میشناسد و درباره ارزشهای فردی و اجتماعی داوری میکند.

عقل نظری به شناخت هستها می پردازد و به کمک حس و با روش تجربی هستیهای طبیعی را می شناسد. با استدلال، عقلی احکام ریاضی و متافیزیکی را در میابد و علوم طبیعی ریاضی و فلسفه را شکل می دهد.

شناخت قانون علیت!



اعتبارات:

- ۱- به خواست و اراده انسان به وجود می آید.
- ۲- دارای آثار و پیامدهای غیرارادی هستند.

ویژگی های عقلانیت مورد استفاده در جهان اسلام:

علاوه بر تعامل با داده های حسی و تجربی و تعامل فعال با ارزشها هنجارها و آرمانهای فرهنگی اجتماعی تاریخی پیرامون خود؛ آنها را مورد ارزیابی انتقادی قرار می دهد.

به رغم تعامل با فرهنگها و سنتهای تاریخی محیط خود ارزشها و اعتبار روشنگرانه خود را از متن فرهنگ و کنش های عاملان نمی گیرد.

بخش از آن را به کمک حس و تجربه زیسته و بخشی دیگر را با استفاده از وحی سازمان می بخشد.

در تولید دانش علمی نسبت به محیط فرهنگی و اجتماعی نقش محوری دارد ولی همه عرصه های علمی را به تنهایی سامان می دهد.